

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
رئیس شورای سیاست‌گذاری: <i>ابراهیم رستمیان مقدم</i>
مدیر مسئول: حامد شمس
سر دبیر: اکبر هاشمی
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
صندوق پستی: ۱۴۸۹-۱۵۸۷۵
تلفن تحریریه: ۸۵-۶-۸۸۵۱۷۰۸۵
نمابر: ۸۵۱۷۰۸۷
www.tamin24.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۹۱

• زیر پوست شهر - ۳۰ •
• نسرین ظهیری •

کتانی سورم‌های

یک لنگه کتانی کوچک‌روی شاخه کم‌جان درخت چنار میدان شاپور، اول راسته مهدی موشه، اویزان است. کتانی سورم‌ای‌رنگ با بندهای نازنجی، سباز، بچه دوساله، زیر درخت راننده‌های خط چهارراه شاپور-میدان قزوین باد در گلو انداخته‌اند و مسافر صدا می‌زنند. باد می‌پیچد و راننده‌ها خودشان را بیشتر از قبل در کاپشن‌های نیم‌دارشان فرو می‌کنند. درخت چنار می‌لرزد و کتانی کوچک خوش‌رنگ و لعاب‌باهر تکان تاب‌می‌خورد. آقاھوشنگ همان‌طور که یک نگاه‌به کتانی کوچک دارد، روزنامه می‌خواند. رو می‌کند به راننده بغل‌دستی و می‌گوید: «چه جالب! گوش کن تا این خبر بامزه را برایت بخوانم.»

بعد صفحه روزنامه را باز می‌کند و بیشتر به سمت صورتش می‌گیرد: «مسئولان راه‌آهن ژاپن یک ایستگاه قطار در دهکده‌ای بسیار دور افتاده را فقط به خاطر یک مسافر، یعنی یک دانش آموز دبیرستانی، همچنان باز نگه داشته‌اند.»

باد می‌زند زیر روزنامه، اما آقاھوشنگ صفحه را محکم‌تر می‌مسید: «ایستگاه قطار کیو-شیراتاکا- شیراتاکا در جزیره هو کایدو واقع در شمال ژاپن است. سه سال پیش راه‌آهن ژاپن تصمیم گرفت به خاطر دوری مسافت و همچنین پایان دوره قطارهای حمل‌ونقلی از این‌دست، این ایستگاه را ببندد. اما پس از آنکه دریافتند یک دانش آموز هر روز از قطار این ایستگاه برای رفتن به دبیرستان استفاده می‌کند، از تصمیم خود منصرف شدند.»

باد باران می‌آورد، دانه‌دانه و نهم، صفحه روزنامه خیس می‌شود. آقاھوشنگ ادامه می‌دهد: «طبق گزارش این شبکه خبری، دو قطاری که در این ایستگاه رفته‌وآمد دارند، فقط برای جابه‌جایی این دختر مشغول به کارند و نکته جالب زمان‌بندی دقیق حرکت آن‌هاست که کاملاً براساس زمان شروع و پایان کلاس‌های این دانش‌آموز تنظیم شده‌است.»

آقاھوشنگ خودش را می‌کشاند زیر درختی که کتانی کوچک روی آن تاب می‌خورد و ادامه می‌دهد: «مسئولان راه‌آهن ژاپن قصد دارند تا ماه مارس امسال و فارغ‌التحصیلی وی این ایستگاه را باز نگه دارند.» رانندگی که گوشش را سپرده به خبر جالب آقاھوشنگ، لیخند می‌زند و نگاهی می‌اندازد به کتانی سورم‌ای‌رنگ. آقاھوشنگ دیگر مسافر صدای نمی‌زند. در اعتراض راننده بغل‌دستی می‌گوید منتظر است تا صاحب کتانی پیدایش شود: «کشف بچه‌گران است. خانمی با بچه‌اش چند روز پیش سوار ماشین شد. وقتی پیاده شد، لنگه کفش بچه‌اش پایش افتاد. دوروز است چشم‌پناه چشم می‌کنم، شاید مادره بیاید لنگه کفش را ببرد.»

راننده بغل‌دستی می‌گوید از کجا معلوم مادره باشد مانده باشد کجا کشف بچه افتاده. آقاھوشنگ سر تکان می‌دهد، یعنی که نمی‌داند. بان تندتر می‌وزد. باران آسمان نمی‌خرد. آخرین برگ‌های خشکیده می‌ریزند روی ماشین آقاھوشنگ. آقاھوشنگ ته خیابان را همچنان می‌باید. هنوز هم مسافر صدا نمی‌زند. از انتهای خیابان زنی بر خلاف جهت باد با چشم‌های نگران می‌آید.

ده شهر محبوب گردشگران در سال ۲۰۱۵

هر سال باز راه رسیدن سال نوی میلادی، آمار و ارقام مربوط به سال به‌اتمام رسیده منتشر می‌شود. یکی از این فهرست‌ها که شاید در تصمیم‌گیری دوستداران سفرهای خارجی نقش ویژه‌ای ایفا کند، رده‌بندی پرطرفدارترین شهرهای جهان است. به گزارش ایستادوب‌سایت «FindTheHome» فهرستی را که در سال ۲۰۱۵ بیشترین گردشگر را به خود جذب کرده، منتشر کرده که نام لندن، پایتخت انگلیس، در صدر آن خودنمایی می‌کند. نه شهر بعدی که این لیست ده‌گانه را کامل می‌کنند به ترتیب بانکوک در تایلند، پاریس پایتخت فرانسه، دبی در امارات، استانبول در ترکیه، نیویورک در آمریکا، سنگاپور، کوالالامپور در مالزی، سئول پایتخت کره جنوبی و هنگ کنگ جزیره‌ای در چین هستند.

۱۶ | اکتیو

نامزدهای نهایی اسکار معرفی شدند

• رویداد •
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div></div></div></div>
نامزدهای نهایی هشتاد و هشتمین دوره از جوایز سینمایی اسکار در بورلی هیلز لس‌آنجلس معرفی شدند. به گزارش خبرآنلاین، فهرست نامزدهای نهایی مهم‌ترین بخش‌های جوایز اسکار به این شرح است: بهترین فیلم: «پل جاسوس‌ها»، «بروکلین»، «مد مکس: جاده خشم»، «مریخی»، «بازگشته از گور»، «اتاق»، «افشاگر»، «کمبود بزرگ»، بهترین بازیگر نقش اول مرد: برایان کرنستون در «ترومبو»، مت‌دین در «مریخی»، لئوناردو دی‌کاپریو در «بازگشته از گور»، مایکل فاسبندر در «استیو جابز»، ادی ردمان در «دختر دانه‌ارکی». بهترین بازیگر نقش اول زن: کیت بلانشت

• هشتگ •
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div></div></div></div> <p>• صدرا محقق •</p>

هفته گذشته خبری در خبرگزاری‌ها منتشر شد که با موج همراهی و واکنش مخالفان و موافقان در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. خبر به این شرح بود: «با تصویب هیئت دولت، جرائم تخلفات راهنمایی و رانندگی افزایش یافت. با اجرایی شدن این مصوبه و طی مراحل قانونی از این به بعد متخلفان با نرخ جدید جریمه خواهند شد.»

بر این اساس برخی از جرائم افزایش یافته در کلان‌شهرها به این شرح‌اند:
۱- عبور از چراغ‌قرمز و سبقت غیرمجاز، ۲۰۰ هزار تومان
۲- هرگونه حرکت نمایشی مانند دور زدن در جا و یا حرکت موتورسیکلت بر روی یک چرخ، ۱۵۰ هزار تومان
۳- تجاوز از سرعت مجاز (بیش از ۳۰ کیلومتر در ساعت)، ۲۰۰ هزار تومان
۴- سبقت غیرمجاز در راه‌های دوطرفه، ۲۰۰ هزار تومان
۵- عبور از چراغ‌قرمز راهنمایی و رانندگی، ۲۰۰ هزار تومان
۶- حرکت به طور ماریج، ۱۵۰ هزار تومان
۷- حرکت با دنده عقب در آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها، ۱۵۰ هزار تومان
۸- رانندگی در حالت مستی و مصرف داروهای روان‌گردان یا افیونی، ۴۰۰ هزار تومان
۹- عبور از محل ممنوع، ۱۰۰ هزار تومان
۱۰- تجاوز به چپ از محور راه، ۷۵ هزار تومان
۱۱- عبور وسایل نقلیه از پیاده‌رو، ۷۵ هزار تومان
۱۲- عدم رعایت حق تقدم عبور، ۶۰ هزار تومان.

بلافاصله پس از انتشار این خبر کاربران شبکه‌های اجتماعی در فیس‌بوک و توئیتر و اینستاگرام با نوشتن مطالبی در حمایت و یا مخالفت با آن واکنش نشان دادند. در این مورد خاص باز هم جای نوشته‌های طنز خالی نبود و عده‌ای از کاربران با مضمون خبر مطالب بامزه‌ای منتشر کردند.

بخش زیادی از کاربران حمایت خود را از افزایش جریمه‌ها اعلام کردند، چراکه این امر می‌تواند به رعایت بیشتر قانون کمک کند. یکی از کاربران در توئیتر به نام آرش در این رابطه نوشت: «حمایت خود را از افزایش نرخ جریمه‌ها اعلام می‌داریم؛ باشد که از ترس جریمه به کم مثل آدمیزاد متمدن رانندگی کنیم! هرچند فکر می‌کنم هنوز کمی و جریمه‌های غیرمالی هم باید به آن اضافه بشه.»

کاربری به نام جان شفیقه هم نوشت: «من جای دولت بودم برای بعضی تخلفات رانندگی مثل رد کردن چراغ‌قرمز، علاوه بر جرائم نقدی، شلاق و کار اجباری هم در نظر می‌گرفتم!» کاربری دیگر هم موضوع را از این زاویه دید: «من با بالا رفتن و سخت‌گیرانه شدن جرائم رانندگی موافقم. اگر قرار باشد به خاطر قانون بودنش به آن احترام بذاریم، از بالا رفتن جریمه‌اش ناراحت نمی‌شدیم.» تاهام در این باره نوشت: «هر جور حساب کنی، جریمه رانندگی در حال غیرعادی باید لغو گواهی‌نامه و حتی حبس چندروزه باشه. طرف جون مردم رو به خطر انداخته!»

برخی از کاربران هم از قوانین مشابه در دیگر کشورها نوشتند. یکی از کاربران در فیس‌بوک قوانین هلند را گوشزد کرد و نوشت: «در هلند عبور از چراغ‌قرمز یا مکالمه با تلفن همراه ۲۳۰ یورو جریمه در پی دارد.»

جایی برای حرف‌های خودمانی

بوی نان تازه. شاید هیچ چیز دیگری نتواند همچون آن برای ما ایرانیان مشام نواز باشد. بویی که در نوستالژی‌های کودکی‌مان پیچیده و حال و هوای مهربانی دارد. برکت سفره‌هایمان است و حد و حرمتی دارد. ساده‌است و زندگی ماشینی امروز ما را، که بوی گاه‌گل از دیوارهای باران خورده‌اش بلند نمی‌شود، با بو و طعم خوش دلنشین می‌کند. هنوز هم که هنوز است فست‌فود نتوانسته جای مستحکم آن را در میان سفره پر کند و تعداد پیتزافروشی‌ها هنوز از نانوائی‌ها پیشی نگرفته. نانوائی‌هایی که با همت مردانی که قدر گندم و نان را می‌دانند جان گرفته. عاشقانه که هرروز آردها را خمیر می‌کنند و دانه‌دانه می‌پزند تا در برکت دادن به سفره مردم سرزمینشان سهیم باشند. روز و شب کنار کوره‌ها در گرما‌نای می‌پزند و دلشان به این شغل روزی‌رسان گرم است.



بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

افزایش جریمه‌های رانندگی، حامیان ومخالفان



برخی کاربران هم البته از این طرح انتقاد کردند و نوشتند دولت با این کار در پی افزایش درآمد است. کاربری به نام بهمن در این باره نوشت: «قیمت نفت اومد پایین، جرائم رانندگی دوبرابر شد. جرائم رانندگی با کسری بودجه نسبت مستقیم داره.» کاربر دیگری به نام سهراب هم انتقاد خود را اینطور نوشت: «ماشین ایمن بده دست مردم، چاله‌وچوله جاده‌ها رو پر کن، اون وقت می‌تونی نرخ جریمه رو ببری بالا ...» یکی از کاربران به نام عباس آقا هم با زبانی طنز در این باره نوشت: «بِه جای اینکه جریمه‌ها رو زیاد کنند، فکری به حال آسفالت خیابون بکنند. یه بار دستم تو دماغم بود جوری افتادم تو چاله‌چوله که انگشتم رسید به مغزم.»

کاربری به اسم بابک هم از این منظر مطلب را دیده‌است: «من با افزایش اون دسته از جرائم رانندگی که ربطی به ضعف زیرساخت‌ها نداره موافقم. بعضی از مشکلات فرهنگی رو فقط با سختگیری میشه اصلاح کرد.» یکی از کاربران به اسم حامد صف‌ها هم در این باره انتقاد کرد: «من کاری به درست یا غلط بودن افزایش جریمه‌ها ندارم، چون خودم خلاف نمی‌کنم. مشکل من پلیس‌های خلافکاره. مثلاً چرا هیچ ماشین پلیسی معاينه فنی نداره؟»

نوشتن مطالب طنز و کنایه‌آمیز هم در این چند روز در این باره رواج بود. کاربری به نام پوکولا نوشت: «اینايي که ۵ ثانيه قبل از سبز شدن چراغ حرکت می‌کنن، با اون ۵ ثانيه اضافی تو زندگی‌شون چه کارای مهمی انجام میدن؟» سلطان هم چنین تویییتی پست کرد: «چرا مامورای راهنمایی و رانندگی برای همراه نداشتن نیمه گمشده‌مون جریمه‌مون نمی‌کنن؟ نقص از این بالاتر؟»

«پمی» هم نوشت: «آخرش راهنمایی و رانندگی میگه راننده عزیز از روی خطوط حرکت کن. ما که نتونستیم آدمتون کنیم، اقلاً هماهنگ باشید.» یکی از کاربران هم افزایش جریمه‌های راهنمایی و رانندگی را با افزایش پیدا نکردن سقف برداشت از خودروهازا مقایسه کرد و نوشت: «سقف جریمه‌ها افزایش یافت، سقف برداشت از خودروهاز افزایش نیافت.»



یکشنبه ● ۲۷ دی ۱۳۹۴ ● شماره سی و نه

A T I V E H O U S E

• ساختمان نیمه‌کاره-۲۴ •
• مسعود شهابی •

وقتی چیزی برای گفتن نداری!

بعضی وقت‌ها هر چه تلاش می‌کنی استرس نداشته باشی باز اتفاقات طوری رقم می‌خورد که دلت پر از دلهره و تشویش می‌شود. جایی خواندم که به ازای هر واحد انرژی منفی که به شخصی می‌رسد باید سه واحد انرژی مثبت دریافت کند تا ناکامی آن انرژی منفی جبران نشود. اما حالا با این همه انرژی منفی که این هفته دریافت کردیم فعلاً باید عذاب بکشیم. این هفته اصلاً هفته خوبی برای ما نبود و پر بود از خبرهای بد. اینکه در کوران امتحانات پایان ترم کلسی کار عقب افتاده مانده باشد روی دست، خودش دنیایی عذاب است، چه برسد به اینکه خبرهای ناگواری هم به تو بدهند. از جلسه امتحان برمی‌گشتم که کیان زنگ زد و خبر تصادف الیاس را داد. می‌گفت با موتورش تصادف کرده و الان در بیمارستان است. سریع خودم را به آنجا رساندم. الیاس حال خوبی نداشت و چند جای بدنش زخم‌های بدی برداشته و کلی بیخیه خورده بود. باید یکی دوروزی در بیمارستان بماند تا حالش رو به بهبودی برود. خدا را شکر شکستگی نداشت و حالش زود خوب می‌شود، اما چند هفته‌ای از کار کردن محروم است و روزهای سختی انتظارش را می‌کشد. یک کارگر حق ندارد با موتورسیکلتش بی‌احتیاطی کند و زمین نخورد، چون نمی‌تواند سر کار بیاید و خرج و مخارجش روی زمین می‌ماند. دو روز بعد که حالش بهتر شد و از بیمارستان مرخص شد، خبر تصادف ارسطو را آوردند. ارسطو یکی دیگر از دوستان کارگرمان است، در ماشینی مسافر بوده که تصادف می‌کنند. دست راستش از سه جا شکسته و اوضاع خوبی ندارد. او هم چند هفته‌ای خانه‌نشین می‌شود. این‌ها حوادث بدی بود که این هفته برای دوستان کارگر ساختمان نیمه‌کاره ما پیش آمد. با اینکه امتحان داشتیم می‌خواستیم سر کار نروم و به درس‌هایم برس، نبودن دوستان مجبورم کرد سر ساختمان بروم و مشغول کار شوم. البته جزوه‌هایم را همراه خودم به سر کار آوردم تا نگاهی به آن‌ها بیندازم. امید علی، همان پیرمرد سپیدموی مهربان، در غیاب دوستان مصدوم به مددمان آمد. امید علی مثل همیشه کارهای لنگمان را سروسامان می‌دهد بدون هیچ شکایتی. البته از سختی‌های روزگار گل بسپار دارد و از اینکه مثل گذشته کار برایش نیست و هزینه‌هایش زیاد شده ناراحت و نگران است.

دربوز در ساختمان محل کارم یکی از واحدهای مسکونی را تکمیل می‌کردیم. صاحب این واحد جوانی است که سال قبل ازدواج کرده و الان لحظه‌شماری می‌کند برای تولد نوزادش. فریبرز هم کمی وسواس دارد، البته نه به اندازه خانم صادقی. درواقع آدم قابل‌تحملی است. برای همه زوایای خانه‌اش کلی برنامه دارد و حرف‌هایش بوی امید به آینده دارد. یکی از همکاران عزیزمان به‌تازگی پدر شده. بچه دومی است و سر پا یا نمی‌شناسد. چند روزی است درگیر به دنیا آمدن پسرش شده و کمتر سر کار می‌آید. هروقت هم که می‌آید دوستان سراغ پسرش را می‌گیرند و حتی وقت صبحانه برایش اسم انتخاب می‌کنند. با اینکه نگران خرج و مخارج و هزینه‌های نورسیداش است، اما هروقت از او صحبت می‌کند ذوق و شوق تمام وجودش را فرامی‌گیرد. امروز امید علی توصیه‌به‌جایی کرد. به دوست تازه پدشده می‌گفت دلش بگیرد، به همین خاطر تصمیم گرفتیم کمتر جلوی نجف در این باره صحبت کنیم. دبروز کیان از صبح زود پیدایش نبود. از بچه‌ها سراغش را گرفتیم، گفتند هنوز سر کار نیامدند. قبل از ظهر بود که معمو و ناراحت سر ساختمان آمد. علت دیر آمدنش را که جویا شدم، گفت: «چند ماه پیش در یکی از موسسات اعتباری خصوصی حسابی باز کردم و از چند جا پول قرض کردم و به همراه هرچه پول از حاج‌علی گرفتیم در حساب ریختم، به امید اینکه وام کم‌بهره‌ای بگیرم و بدهی‌هایم را صاف کنم. اما چند روز است آن موسسه پولم را نمی‌دهد و می‌گوید ورشکست شده!ایمانده‌ام قرض‌هایم را چطور بدهم!» نگاهی به دست‌های ترک‌خورد‌اش انداختم. چیزی برای گفتن نداشتم.